

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۹۸

دوشنبه ۲۳ آبان ۱۴۰۱ - ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲

### ضمیمه انترناسیونال ۹۹۸



## انقلاب و اپوزیسیون

میشوند. اینجا مشخصا می‌خواهیم به مواضع و موقعیت نیروهای اپوزیسیون در شرایط حاضر بپردازیم. سه شاخه اصلی اپوزیسیون را میتوان به نیروهای راست شامل سلطنت طلبها و جمهوریخواهان و نیروهای ناسیونالیست از جمله نیروهای کرد، آذری و بلوچ، سازمان مجاهدین و بالاخره نیروهای چپ و کمونیست تقسیم کرد. با مجاهدین شروع کنیم. چه ارزیابی ای از موقعیت آنها و برخوردشان به انقلاب جاری دارید؟

**حمید تقوایی:** بنظرم انقلاب در همان بدو شروعش مجاهدین را کنار گذاشت و میشد گفت از چنین نیرویی عبور کرد. دلیل اش هم روشن است. انقلاب با اعتراض علیه حجاب شروع شد و مجاهدین هنوز یک سازمان محجبه است، سازمانی است که نه تنها از حجاب بلکه از نوع دیگری از اسلام، بنظر خودش اسلام ضد آخوند، همیشه حمایت کرده است؛ حتی حکومت اسلامی بعنوان جمهوری اسلامی هیچوقت مورد اعتراض نبوده بلکه بعنوان "حکومت آخوندها" یا حکومت ولی فقیه با آن مخالف بوده است. این انقلاب با نه به حجاب و نه به جمهوری اسلامی، و به نظر من، نه به مذهب حاکم، نه به اسلام سیاسی در تمام وجوه آن، شروع شد و نفس همین واقعیت نشان میدهد که یک نیروی مذهبی که هنوز با مقدسات و ارزشهای اسلامی نوع خودش مشغول است در انقلاب حاضر هیچ جایگاهی ندارد.

از یک جنبه دیگر هم مجاهد به جامعه بی ربط است. این سازمان مدت‌هاست شکل یک فرقه زیرزمینی، یک فرقه کاملا غیر اجتماعی به خود گرفته است، در حدی که حتی کسی نمیداند رهبرش زنده است یا درگذشته است! روابط این سازمان و مناسباتشان با هم و غیره بر همه پوشیده است. مجاهد یک فرقه غیر اجتماعی است که نفس مذهبی بودن و محجبه بودنش آنرا به جامعه و انقلابی که با

مخالفت با حجاب را فرعی میدیدند، بما خرده میگرفتند که زیادی به آن بها میدهیم، این مساله کارگران نیست، "مساله زنان شمال شهری" است و غیره. امروز می بینید که انقلاب با همین جرقه شروع شد. با اعتراض علیه حجاب و از سر برداشتن حجابها و آتش زدن حجابها! خود حکومتی ها علنا اعلام میکنند که حجاب اولین سنکر تعرض به کل نظامشان است و مردم هم انقلابشان را با اعتراض به حجاب و سوزاندن آن شروع کردند. این هم باز نشان میدهد که حزب ما با مقابله پیگیر با حجاب در واقع به پیشواز چنین انقلابی مرفته است.

از طرف دیگر ما همیشه بر همگانی بودن انقلاب تاکید کرده ایم. از جمله مضمون پیام آخرین کنگره ما این بود که "ما همه با هم هستیم". امروز ما شاهد اتحاد مردم هستیم که در این سطح وسیع و با شکوه در همه شهرهای ایران در داخل و همچنین در خارج کشور همبسته و هماهنگ بمیدان آمده اند. ما همیشه بر این تاکید میکردیم که انقلاب آتی ایران حرکتی است که اکثریت جامعه، نود و نه درصدی ها را، در برابر یک در صد مفتخور حاکم به میدان خواهد آورد. در این مورد نیز خیلی از مدعیان به ما انتقاد داشتند. امروز جواب این انتقادات را مردم در خیابانها دارند میدهند. می بینیم که انقلاب جاری به شکل غیر قابل انکاری یک حرکت توده ای، فراگیر و همگانی است.

اینها بنظر من آن ویژگی های این انقلاب است که ما نه تنها پیش بینی میکردیم بلکه در تدارکش بودیم، برای سوق دادن جامعه به این سمت در همه عرصه ها مبارزه میکردیم، و امروز خوشبختانه شاهد این واقعیت شکوهمند هستیم.

**خلیل کیوان:** شما در برنامه هفته قبل "احزاب و انقلاب" به این اشاره کردید که در شرایط انقلابی همه احزاب طرفدار انقلاب

تدوین شده بر مبنای مصاحبه حمید تقوایی با کانال جدید

**خلیل کیوان:** در برنامه قبلی در مورد رابطه انقلاب و احزاب سیاسی در یک سطح عمومی صحبت کردیم. در این برنامه در باره انقلاب و نیروهای مختلف اپوزیسیون، متد، رویکرد و سیاست آنها می‌پردازیم.

حمید تقوایی انقلاب جاری بسیاری را غافلگیر کرده است. خیلی ها از شهادت و جسارت نوجوانان، دهه هشتادها، اتحاد صفوف مردم، و جاذبه جهانی انقلاب شگفت زده شده اند. آنرا اولین انقلاب زنانه تاریخ مینامند. آیا حزب کمونیست کارگری هم در این شگفتزدگی شریک است؟ آیا چنین انقلابی را پیش بینی میکردید؟

**حمید تقوایی:** ما هم مثل بقیه از عظمت و شکوه این انقلاب و اتحاد چشمگیر همه مردم در آن، و بمیدان آمدن دانش آموزان و غیره شگفت زده شدیم و این یک واقعیت و حقیقت بسیار هیجان انگیز و امیدبخشی است. ولی تا آنجایی که به نفس انقلاب و مضمون آن مربوط میشود ما این را پیش بینی میکردیم. همین که الان همه دنیا این خیزش عظیم را انقلاب زنانه می نامد تاکید می بر ارزیابی حزب ما است. بیست و یکسال قبل رهبر حزب ما زنده یاد منصور حکمت، این را پیش بینی کرد که انقلاب ایران انقلابی زنانه خواهد بود. بر این مبنا ما نهاد و کارزار انقلاب زنانه را سازمان دادیم که همین ایده را تبلیغ میکرد، توضیح میداد و مردم را فرامیخواند. و امروز می بینیم که این انقلاب زنانه به میدان آمده است.

نکته مهم دیگر مبارزه پیگیر حزب ما علیه حجاب است. ما حجاب را مداوما بعنوان سمبل و مظهر حکومت اسلامی و کلا جنبش ضد انسانی اسلامی در کل دنیا نقد و نفی میکردیم و به همین خاطر مقابلش ایستاده بودیم. خیلی از نیروها حتی نیروهای چپ

**بیست و یکسال قبل رهبر حزب ما زنده یاد منصور حکمت، این را پیش بینی کرد که انقلاب ایران انقلابی زنانه خواهد بود. بر این مبنا ما نهاد و کارزار انقلاب زنانه را سازمان دادیم که همین ایده را تبلیغ میکرد، توضیح میداد و مردم را فرامیخواند. و امروز می بینیم که این انقلاب زنانه به میدان آمده است.**

شعار "زن زندگی آزادی" علیه حجاب و کل مقدسات مذهبی به میدان آمده است کاملا بی ربط میکند. انقلاب از همان بدو شروع اش از مجاهدین عبور کرد.

**خلیل کیوان:** در مورد نیروهای جمهوریخواه و ناسیونالیستهای طرفدار فدرالیسم که آنها را هم بنوعی میتوان جمهوریخواه دانست، چه نظری دارید؟

**حمید تقوایی:** بنظر من ویژگی های این انقلاب، شعار اصلی " زن، زندگی، آزادی" و شعارهای دیگری که الان در خیابانها در همه مناطق ایران از بلوچستان و کردستان و آذربایجان گرفته تا خوزستان و شهرهای دیگر سر داده میشود نشان میدهد که نیروهای فدرالیست که همیشه تاکیدشان بر شقه شقه کردن و تقسیم بندی جامعه به ملل مختلف و بعد تشکیل یک نظام موزائیکی متشکل از "ملل" مختلف بوده است، کلا موضوعیت خود را از دست داده اند.

مردم یکپارچه بلند شده اند برای حقوق برابر انسانی خودشان در هر قسمت ایران، از تهران و شیراز و قم تا سنج و تبریز و اردبیل و زاهدان، و شعار میدهند ما همه با هم هستیم. در سراسر ایران شعارهای یکسان مشترک را فریاد میزنند: علیه ولی فقیه، علیه خامنه ای، علیه کل حکومت و علیه مقدسات و علیه قوانین مذهبی از حجاب بگپرد تا هر جنبه دیگری. آیکون و پیام این انقلاب زن زندگی آزادی است و این امری سراسری نه تنها در ایران بلکه در کل دنیا است.

شعار زن، زندگی، آزادی از هر سه جنبه درست در نقطه مقابل جمهوری اسلامی است. از اینرو این خیزش به هیچ وجه ملیت بردار و قومیت بردار نیست و جایی برای کسی با هویت ملی و قومی و فرهنگ و نیاکان خودش نمیگذارد. این انقلاب نه تنها با حقوق ویژه و فدرالیسم ملی و غیره خوانایی ندارد، بلکه عملا در نقد همه آنهاست. به این معنا پرونده فدرالیسم و قومگرایی و ملیتگرایی نیز در این انقلاب بسته میشود.

جمهوری خواهی در ایران هم هم همیشه رابطه نزدیکی با نهاد سلطنت داشته است. امروز هم همینطور است. بیشتر نیروهای جمهوریخواه جایگاه ویژه ای برای سلطنت و "شاهزاده" قائل هستند. و مهمتر از آن محور سیاست همه آنها کشور و ملیت و ارزشهایی مثل تمامیت ارضی، مثل ایرانیت و مرزپرستی و نیاکان و عربستیزی و نقد مذهب بعنوان مذهب عربی و غیره است که در انقلاب جاری جایگاه و موضوعیتی ندارد.

از نظر سیاسی هم همیشه این نیروها مشغول نوعی تعامل و سازش با جناح اصلاح طلب حکومتی بودند. میدانیم پرونده اصلاح

طلبی و همان سال ۹۸ بسته شد و این بساط هم کنار زده شد. پرونده طرحهای مثل دولت گذار با شرکت بخشی از حکومت و جنبش سبز و جنبش بنفش هم مدتهاست بسته شده و از این نظر هم افقی در مقابل جمهوریخواهان قرار ندارد.

**خلیل کیوان:** سلطنت طلبان از نظر شما در چه موقعیتی هستند. از یکسو رضا پهلوی خود را نماینده وحدت مردم میدانند و از سوی دیگر ما شاهد حمله سلطنت طلبان دو آتشه به صفوف تظاهرات در خارج کشور و اخلاگری آنها هستیم. ارزیابی شما از این حرکات چیست؟



**حمید تقوایی:** اینجا دو نکته را باید تاکید کنم، نکته اول اینکه سلطنت مدتهاست ورشکسته شده بخاطر اینکه نماینده آنها، کاندید سلطنت، تاجش را زمین گذاشت و گفت که کلا نهاد سلطنت با حقوق بشر مغایر است و من نمیخواهم شاه باشم و ادعایی ندارم. همین امر تمام صفوف سلطنت طلبان را بهم ریخت. چون شما نمیتوانید سلطنت طلب باشید ولی کاندیدی نداشته باشید که تاج بر سرش بگذارید! این یعنی یک بحران و یک درهم ریختگی و فروپاشی در صفوف سلطنت طلبان. الان سلطنت طلبان فرقه های مختلفی هستند که به جان همدیگر افتاده اند. فعلا رضا پهلوی بعد از انصراف از سلطنت مدال دیگری به سینه خودش زده است. مدال وحدت ملی! اینهم پوچ است. ایشان نه تنها نتوانسته حتی در صفوف سلطنت طلبان وحدتی ایجاد کند، بلکه سیستم ارزشی و استراتژیک ایشان و هودارانش، تاکید بر تمامیت ارضی، مرز

پرگهر، ناسیونالیسم فارس، نیاکان، کوروش کبیر و حقوق بشر کوروشی و غیره اینها همه عامل تفرقه است. در جامعه همین الان می بینیم که شعار مرد، میهن، آبادی که سلطنت طلبان خیلی زیر این خط میکشند و اینرا معرف خودشان میدانند همین باعث تفرقه شده است در میان خیلی فعالین در داخل کشور و در خارج کشور. اخیرا حتی جمهوری اسلامی بیلبورد "مرد میهن آبادی" را در خیابانهای تهران هوا کرده است. به این ترتیب اینها دارند شعار زن، زندگی آزادی را کنار میزنند و بجایش ارزشهای ملی میهنی و مردسالارانه را از پنجره وارد میکنند. و این نه تنها مخدوش و تحریف کردن مضمون انسانی انقلاب "زن زندگی آزادی" است بلکه خود عامل تفرقه پراکنی در صفوف انقلاب است.

از سوی دیگر در خارج کشور شاه الهی ها، سلطنت طلبان دو آتشه دقیقا از آنجایی که دیده اند که جامعه جوانی به اینها نداده و در سطح خیابان و انقلاب جایی برای اینها باز نیست، به شیوه شعبان بی مخ شروع کرده اند به حمله به تظاهرات ضد حکومتی مردم در کشورهای مختلف. مساله اینها اینست که در داخل کشور هیچ اثری از رضا شاه روح شاد و غیره مشاهده نمیشود. حتی قضیه روز کوروش و پاسارگاد که هر ساله یک جمعیتی به آنجا میرفت امسال کاملا سوت و کور بود. نه به این خاطر که جمهوری اسلامی مقابلش ایستاد و ممانعت کرد. هر سال جمهوری اسلامی این کار را میکند ولی با این حال در سالهای گذشته بالاخره جمعیتی در پاسارگاد جمع میشد. امسال هیچ اثری نبود در حالیکه انتظار میرفت با توجه به جو اعتراضی جامعه و شرایط انقلابی لاقط بخشهای سلطنت طلب جامعه در پاسارگاد تجمعی داشته باشد. این اتفاق نیفتاد بنظر من به دو دلیل: اول اینکه این انقلاب هیچ ربطی به ارزشهای ملی میهنی و کوروش کبیر ندارد و از لحاظ مضمون کاملا نقطه مقابل آن است و نکته بعدی این است که اگر در سالهای گذشته بالاخره از روز کوروش و تجمع پاسارگاد برای بلند کردن فریاد اعتراض شان علیه جمهوری اسلامی استفاده میکردند، امسال در دل این انقلاب دیگر هیچ نیازی به آن بهانه ندارند؛ مستقیما حرف خودشان را میزنند. دیگر لازم نیست بروید پاسارگاد بگویند جمهوری اسلامی نمیخواهیم، در خیابانهای تهران و سنج، زاهدان و تبریز و همه جای ایران دارند میگویند مرگ بر جمهوری اسلامی. ما همیشه گفته ایم که مردم در شرایطی که امکان دیگری برای بروز اعتراض ندارند تلاش میکنند به بهانه ها و اشکال

انقلاب و اپوزیسیون  
ادامه از صفحه ۲

ما همیشه بر همگانی بودن انقلاب تاکید کرده ایم. از جمله مضمون پیام آخرین کنگره ما این بود که "ما همه با هم هستیم". امروز ما شاهد اتحاد مردم هستیم که در این سطح وسیع و باشکوه در همه شهرهای ایران در داخل و همچنین در خارج کشور همبسته و هماهنگ بمیدان آمده اند. ما همیشه بر این تاکید میکردیم که انقلاب آتی ایران حرکتی است که اکثریت جامعه، نود و نه درصدی ها را، در برابر یک در صد مفتخور حاکم به میدان خواهد آورد. در این مورد نیز خیلی از مدعیان به ما انتقاد داشتند. امروز جواب این انتقادات را مردم در خیابانها دارند میدهند.

دیگری و بطور غیر مستقیم اعتراض خودشان را به حکومت اعلام کنند و اکنون این ارزیابی ثابت شده است. امروز که اشکال رادیکال اعتراض فراگیر شده است و مردم به خیابانها آمده اند دیگر نیازی به بهانه روز کوروش پاسارگاد و غیره وجود ندارد.

از همه این جنبه ها که نگاه کنید می بینید که نهاد سلطنت و استراتژی و چشم انداز و سیستم ارزشی سلطنت طلبی کاملاً الان کنار زده شده و انقلاب درست در جهت عکس اینها یعنی در جهت ارزشهای جهانشمول انسانی و نه ملی میهنی دارد حرکت میکند و این یک نقطه قدرت مهم این انقلاب است.

**خلیل کیوان:** سیاست احزاب و سازمانهای چپ که مدافع انقلاب بوده و هستند را چگونه ارزیابی میکنید؟ این جریانها در ابتدا در اعتراضات بزرگ خارج کشور که گرایشها راست با پرچم ها و نشانه های خود حضور داشتند شرکت نمیکردند. اما اکنون به نظر میرسد سیاست حضور مستقل در خیابان و پولاریزه کردن صف اعتراضات مردم بویژه با شعار "مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر" را دنبال میکنند. در مورد عملکرد و موقعیت این نیروها چه نظری دارید؟

حمید تقوایی: اغلب این نیروهای چپ با دو تری اصلی که حزب ما بر آن تاکید میکند مخالف هستند: یکی با اینکه انقلاب همگانی است و اکثریت عظیم مردم را به خیابان می آورد و دیگری اینکه ما نباید در میدان در مبارزه با جمهوری اسلامی اپوزیسیون اپوزیسیون باشیم. آنها در مقابل این نظرات تر "جنگ آلترناتیوها" را مطرح میکنند. معتقدند انقلاب از کانال جنگ آلترناتیوها پیش میرود.

به نظر من این یک تفاوت اساسی است میان چپ انقلابی، چپ اهل عمل، کمونیسم پراتیک و چپی که در ذهنیت خودش غرق است و مرزبندی ذهنی شاخص و چراغ راهنمایش است. این چپ ذهنی وقتی با پدیده انقلاب جاری مواجه شد، پدیده ای که هم نشان میداد که انقلاب همگانی است و هم گرایش و تمایلی به جنگ آلترناتیوها در خیابان ندارد بلکه آنرا موجب تفرقه میداند، تاکتیکی اتخاذ کرد که به نظر من بیشتر آنرا حاشیه ای و منزوی میکند. ابتدا اصلاً در تظاهرات چند هزار نفره در خارج شرکت نمیکرد بخاطر اینکه این دوستان هر پرچم بدستی را سلطنت طلب ارزیابی میکنند و چون در خارج کشور پرچم ها در خیابانها به احتراز درآمده بود دوستان به این نتیجه رسیدند که پس اپوزیسیون راست دست بالا را دارد و اگر ما در تظاهرات شرکت کنیم صف مستقل ما مخدوش میشود. و صف مستقل خودشان صفاً حداکثر چند ده نفره بود در پیاده روها

آن است. شما صفوف انقلاب مردم را نگاه کنید، همین قضیه سوت و کوری روز کوروش و پاسارگاد که به آن اشاره کردم را در نظر بگیرید و ببینید در انقلاب جاری چقدر واقعا نهاد سلطنت جا دارد؟ هیچ. با سر بلند کردن این انقلاب معلوم شد پدیده شاه و ارزشهای سلطنتی حتی حاشیه تر از آن چیزی است که قبلاً تصور میشد و یا تبلیغش را میکردند. امروز در برخی دانشگاهها شعار نه شاه میخواهیم و نه رهبر داده میشود ولی نقطه قدرت انقلاب مردم این نیست. قدرت انقلاب مردم این است که با شعار "زن زندگی آزادی" که مضمونی بسیار انسانی و مدرن و جهانشمول دارد و با همبستگی و اتحاد کم نظیری میخواهد جمهوری اسلامی را بباندازد، مرگ بر خامنه ای محور اتحاد و حرکت مردم است و نه مرگ بر چند نفر دیگر هم در کنارش!

در کنار عروج تظاهراتهای چندین ده هزار نفره در خارج کشور! ما در سال ۹۸ هم اینرا دیدیم که در تظاهراتها و آکسیونهای که در خارج کشور میگذشتند تم اصلی شان مرزبندی با راست ها بود تا اعتراض به جمهوری اسلامی! این بار هم دقیقاً این را می بینیم. شعار مورد تاکید آنها "نه شاه میخواهیم و نه رهبر و مرگ بر ستمگر" گرچه در خود شعار غلطی نیست و با دو نوع دیکتاتوری دارد باصطلاح



"مرزبندی" میکند ولی وقتی که میگذارید در متن این انقلاب و این حرکتی که هدف اساسی اش مرگ بر خامنه ای و جمهوری اسلامی است می بینید که مرگ بر شاه را وارد خیابان کردن به دو معنی کاملاً عقبتیر از حرکت توده مردم است. اولاً به این معنی که چنان شاه را مطرح میکند که گویا آلترناتیوی که قرار است بجای جمهوری اسلامی بیاید رضا پهلوی است. در این شعار بطور مشخص رضا پهلوی مطرح است و نه نهاد شاهنشاهی. نهاد شاهنشاهی موضوعیت ندارد چون چهل و اندی سال قبل مردم تکلیفش را روشن کردند و پرونده اش را دادند زیر بغلش و فرستادندش به زیاله دان تاریخ. از پیرو شعار مرگ بر شاه اینها مشخصاً علیه بازگشت خانواده پهلوی است. خوب در این مورد هم رضا پهلوی بارها اعلام کرده نمیخواهد شاه باشد. اعلام کرده نهاد سلطنت با حقوق بشر تناقض دارد. خود سلطنت طلبان هم سر همین قضیه بجان هم افتاده اند و هزار و یک فرقه شده اند. در این شرایط این نوع چپ با شعار مرگ بر شاه در واقع دارد شاه را مطرح میکند. این مرزبندی یا نقد نهاد سلطنت نیست بلکه مقهور شدن به

در خارج کشور هم می بینید که این چپ ذهنی و غیر سیاسی در مقابل شاه الهی ها، در مقابل شعبان بی مخ هایی که دارند به صفوف تظاهراتها در خارج کشور حمله میکنند، شعار مرگ بر شاه و رهبر را میدهد و به این ترتیب آن "جنگ آلترناتیوها" که اینها همیشه مطرح میکردند تبدیل شده است به درگیر خیابانی بین تظاهر کنندگان. پاسخ شاه الهی ها درگیری سیاسی و فیزیکی با آنها نیست، بلکه جمع کردن آنها از خیابانها بعنوان اوپاش بر هم زنده تظاهرات، با توسل به انتظامات موثر و سازمانیافته و قوانین کشورهای غربی است. در غیر این صورت برنده جنگ خیابانی بین چپ و راست تنها جمهوری اسلامی خواهد بود. یک نتیجه گسترش این درگیری ها این خواهد بود که که دیگر اجازه تظاهرات به ایرانیان داده نخواهد شد.

نکته دیگر اینکه این دوستان گرچه ادعا میکنند دارند با آلترناتیو راست مبارزه میکنند، ولی می بینید عملاً از یکطرف با شعار علیه شاه و رهبر در کنار مجاهدین قرار گرفته اند و از طرف دیگر با سلطنت طلبیهائی نظیر شهرام همایون علیه چهره هائی نظیر حامد اسماعیلیون همراه شده اند! سابقه او را "افشا" میکنند، تجمع برلین را زیر سؤال میبرند، میگویند با دولت کانادا ساخته است،

انقلاب و اپوزیسیون  
ادامه از صفحه ۳

این خیزش به هیچ وجه ملیت بردار و قومیت بردار نیست و جانی برای کسی با هویت ملی و قومی و فرهنگ و نیاکان خودش نمیگذارد. این انقلاب نه تنها با حقوق ویژه و فدرالیسم ملی و غیره خوانایی ندارد، بلکه عملاً در نقد همه آنهاست. به این معنا پرونده فدرالیسم و قومگرایی و ملیتگرایی نیز در این انقلاب بسته میشود.

جمهوری خواهی در ایران هم همیشه رابطه نزدیکی با نهاد سلطنت داشته است. امروز هم همینطور است. بیشتر نیروهای جمهوریخواه جایگاه ویژه ای برای سلطنت و "شاهزاده" قائل هستند. و مهمتر از آن محور سیاست همه آنها کشور و ملیت و ارزشهایی مثل تمامیت ارضی، مثل ایرانیت و مرزپرستی و نیاکان و عربستیزی و نقد مذهب بعنوان مذهب عربی و غیره است که در انقلاب جاری جایگاه و موضوعیتی ندارد.

عمیق تبعیضات، تبعیضات طبقاتی، اقتصادی و نابرابری در جامعه و غیره را در جامعه بلند کند خواهد توانست اولاً عمیقترین اتحاد را در صفوف مردم ایجاد کند و ثانیاً مضمون انقلاب را هر چه رادیکالتر و ریشه ای تر بکند. انقلاب بنا به تعریف حرکتی است که مدام چپ را به میدان میطلبد، برای اینکه با پیشروی خودش عمیقتر میشود، تیشه به ریشه میزند و میخواهد بنیاد هر نوع تبعیض و ستم و فقر و نابرابری و سرکوب را براندازد و این پرچم همیشه در دست کمونیستها بوده است. سایر نیروهای اپوزیسیون اعم از نیروهای میانه رو، نیروهای راست، مجاهد، سلطنت طلب، جمهوریخواه و غیره که در این برنامه صحبت کردیم، همه اینها میخواهند بخشی از این سیستم را حفظ کنند، میخواهند با حداقل تغییرات انقلاب از سر بگذرانند، تنها چپ هست که میخواهد انقلاب هر چه ریشه ای تر و عمیقتر به پیش برود. این نقطه قدرت ما است. در یک جمله راه پیشروی انقلاب و پیروزی انقلاب این است که چپ متحزب و سازمانیافته با پرچم نقد و "نه" عمیق به وضعیت موجود تبدیل بشود به عامل و به نیروی فعاله متحد کردن صفوف مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی. این تنها شرط عروج چپ با عنوان یک نیروی سازمانده و رهبری کننده انقلاب و تنها شرط پیشروی انقلاب است و ما پیگیرانه این خط را دنبال میکنیم.

۱۲ آبان ۱۴۰۱، ۳ نوامبر ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

اصل دوم اینست که انقلاب یک حرکت سلبی است. حرکتی است علیه حکومت و کل نظام موجود و برای زیر و رو کردن آن. مضمون و شعارهای انقلاب جاری تماماً نشاندهنده نه بزرگ و فراگیر مردم به حکومت و قوانین و مقدسات و آنست. پیروزی و عروج چپ و قدرت نمایی چپ و



تاثیر تعیین کننده نیروهای چپ در این انقلاب منوط به اتکا به این دو اصل است. ما باید بتوانیم و میتوانیم هژمونی چپ و هژمونی سوسیالیستی را در انقلاب برقرار کنیم به این شرط که عامل وحدت صفوف مردم حول عمیق ترین نقد به وضع موجود باشیم. ما همیشه گفته ایم که کمونیستها فرق شان با نیروهای دیگر مثلاً با اپوزیسیون راست فقط در برنامه های اثباتی نیست بلکه در نقد وضعیت موجود هم هست. اگر چپ پرچم نقد ریشه ای به وضع موجود، به کل نهاد مذهب، اعتراض به تمام مقدسات غیر انسانی ملی میهنی و مذهبی، نقد دولت مافوق مردم، و زدن زیر هر نوع دولت مافوق مردم، نقد

میگویند معلوم نیست بودجه اش را از کجا می آورد و از این نوع شائبه پراکنی ها. از سوی دیگر از هر دولتی که علیه جمهوری اسلامی موضع بگیرد، علیه دولت کانادا و خیلی از دولتهای دیگر که امروز دارند این کار را میکنند، "افشاگری" میکنند که اینها امپریالیست هستند و غیره.

به این ترتیب می بینیم جنگ آلترناتیوهای در کار نیست، نوعی کنار هم قرار گرفتن با این نیروی راست علیه آن نیروی راست است! و نتیجه عملی اش تنها آب ریختن به آسیاب جمهوری اسلامی است و بس. این بنظر من نسخه ای است برای منزوی شدن و حاشیه ای شدن هر چه بیشتر این چپ. توصیه من اینست که دوستان از این سیاست دست بشویند و نیروی خود را مانند توده مردم به انقلاب علیه جمهوری اسلامی متمرکز کنند.

**خلیل کیوان:** حزب کمونیست کارگری ایران چه رابطه ای با انقلاب دارد؟ سیاست ها و پیشبینی های حزب در موارد متعدد همانطور که در طی این گفتگو هم به برخی از آنها اشاره شد در طی چند هفته اخیر تایید شد. متد و سیاست حزب در برخورد به انقلاب چیست؟ چه ارزیابی ای از عملکرد تا کنونی حزب در قبال انقلاب جاری دارید؟

**حمید تقوایی:** همانطور که اشاره کردید ما این انقلاب را تأکیدی میدانیم بر سیاستها و موازین و متدولوژی ای که حزب مدتهاست در برخورد به انقلابات و خیزشهای توده ای دنبال میکند. انقلاب جاری بطور غیر قابل انکاری بر دو اصل اساسی تأکید کرد: اول اینکه انقلاب یک حرکتی است همگانی و دوم اینکه حرکتی است سلبی. متد ما در قبال انقلابات و خیزشهای توده ای همیشه بر این دو اصل متکی بوده است.

ما مدام توضیح داده ایم که چرا انقلاب، بویژه در عصر ما، حرکتی همگانی است؛ به تجربیات تاریخی رجوع کرده ایم، اقتصاد سیاسی نود و نه در صدیها در برابر یک در صدیها را توضیح داده ایم و غیره. امروز دیگر نیازی به توضیحات تئوریک نیست. به عیان دارم می بینیم که یک حرکت شکوهمند همگانی و عظیم با شرکت همه اقشار مردم از دانشجو و دانش آموز و کارگر تا بازاریان و وکلا و پزشکان و روزنامه نگاران و غیره سر بلند کرده است.

سرمدیر: نسان نودینیان  
ادیتور: کاظم نیکخواه

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org  
www.wcpai.org

اساس سوسیالیسم انسان است

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran